

مسکن و محیط زیست

شماره ۸۴ ◆ زمستان ۹۳ ◆

بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان

*مژگان خاکپور **، حسام عشقی صنعتی **

۱۳۹۲/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۲/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

بافت کالبدی روستایی در گیلان مانند سایر نقاط، متأثر از عوامل مختلف طبیعی و اقلیمی، اقتصادی و عوامل اجتماعی-فرهنگی است. اینکه این عوامل خود بر یکدیگر تأثیر دارند، امری مبرهن است. اما تأثیرپذیری خصوصیات کالبدی مجموعه‌های زیستی روستایی از عوامل اجتماعی-فرهنگی، موضوع این مقاله می‌باشد. این مقاله در پی پاسخ به عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر بافت روستاهای گیلان و خصوصیات این تأثیر بر ساختار کالبدی آن است. در این تحقیق کاربردی-توسعه‌ای روش تحقیق، ترکیبی توصیفی و علی است و در زمرة پژوهش‌های کیفی است که مستقل از روش‌های عددی می‌باشد. در این مقاله ابتدا عوامل اجتماعی مؤثر بر کالبد سکونت‌گاهها به‌طور عام بر شمرده شده و سپس معماری روستاهای گیلان از نظر ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی آن مورد مذاقه قرار گرفته و برخی از مهم‌ترین وجوده آن تبیین گردیده است.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تعاملات اجتماعی مردم روستا از یک سو متأثر از شرایط طبیعی است و از سوی دیگر بر خصوصیات اقتصادی و کش‌های معیشتی استوار بوده که خود یکی از عوامل همراهی کنش‌های اجتماعی است و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می‌شود. این عوامل در کنار یکدیگر بوجود آورند همگونی بافت کالبدی است که در پاسخ به نیازهای اجتماعی، معیشتی، اقلیمی و فرهنگی مشابه شکل می‌پذیرد. عناصر اساسی جوامع انسانی در روستاهای گیلان مشتمل بر جمعیت، فرهنگ و فرآورده‌های مادی و فناوری، نظام‌های اجتماعی و نیز نهادهای اجتماعی است که بر خصوصیات کالبدی روستا متاثر از چهار متغیر کاربری اراضی، شبکه معابر، نظام محله‌بندی و بالاخره ساختار معماري تأثیری عیان بر جای می‌نهد. این عوامل در کنار شکل کالبدی مجتمع مسکونی، موجب احراز هویت شخصی و اجتماعی می‌گردد که نه تنها متأثر از فرهنگ و شیوه‌های زیستی است، بلکه بر کالبد سکونتی الزاماتی را دیکته می‌نماید که از کنش‌های اجتماعی معنادار انسان سرچشمه می‌گیرد.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی و فرهنگی، خصوصیات کالبدی، بافت روستایی، معماری گیلان.

* استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

** کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. hesameshghi@hotmail.com

مقدمه

شکل و ساختار کالبدی روستاهای از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرند که به طور کلی به عوامل مرتبط با طبیعت و مرتبط با انسان شناخته می‌شوند. از عوامل طبیعی می‌توان آب و هوا، خصوصیات جغرافیایی و حتی مصالح محیطی و بومی را نام برد که بافت کالبدی روستا را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما از سوی دیگر، کالبد روستا با تأثیر از مسایل مرتبط با انسان، همانند مسایل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی شکل می‌یابد که البته این عوامل بی‌تأثیر از شرایط زیست محیطی و طبیعی نیستند.

بحث تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی به صورت ویژه در معماری، زمانی اهمیت پیدا کرد که متخصصان مختلف به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، نظریات هنجاری گوناگونی درمورد تأثیر عوامل خارجی بر محیط طبیعی و محیط مصنوع ارائه داده و به تحقیقات گسترشده در زمینه‌های متنوعی از قبیل تأثیر علوم اجتماعی بر انواع گروه‌های کانونی خانواده، محله، روستا و شهر، دست زدند. محور اصلی این نظریات، اعتقاد بر رابطه بین جامعه و محیط زیست به عنوان اساسی‌ترین ارتباط موجود در دنیای زیستی بوده است؛ چرا که این ارتباطی دوطرفه و پویاست که دریک‌دیگر تغییر به وجود می‌آورند.^۱ چنانکه بردلی درخصوص تأثیرپذیری کنش‌های اجتماعی از شرایط محیطی بیان می‌دارد: "تولید معناهای اجتماعی شرط ضروری برای عملی شدن یک کنش اجتماعی است و از آنجا که معناها نمی‌توانند ثابت باشند، بلکه پیوسته در حال دگرگونی‌اند و همواره مورد مجادله هستند، به دست دادن شرحی از موقعیت‌های گفتمانی کنش‌های اجتماعی باید بخشی از تبیین جامعه‌شناسنخانی درمورد چگونگی عملکرد آن‌ها باشد" (بردلی، ۱۳۸۶: ۲۷). در دنیای معاصر بحث اثرگذاری عوامل اجتماعی-فرهنگی بر کالبد سکونتگاه‌ها،

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در فضای اجتماعی بعد از جنگ جهانی، به عنوان رویکردی غالب در پژوهش‌های علوم اجتماعی مطرح شده است. از حدود سی سال پیش تاکنون محققانی چون آموس راپاپورت^۲ و پاول الیور^۳ با نگرش خاص اجتماعی-فرهنگی خود به موضوعات معماری، فرهنگ و جامعه به صورتی عمیق پرداخته‌اند. تحقیق این مقاله نیز در پی پاسخ به این سوال‌ها است که خصوصیات اجتماعی و فرهنگی یک مجموعه زیستی همانند روستا، متأثر از چه عواملی است و این خصوصیات، چه تأثیری بر ساختار کالبدی روستاهای گیلان می‌گذارند؟

پیشینه تحقیق

با آن‌که تاکنون عوامل اجتماعی و فرهنگی به دلیل نمود ظاهری کمی که دارند، بیش از سایر عوامل مؤثر بر کالبد زیستی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، اما پس از طرح نظریه کنش متقابل نمادین، رویکرد پدیدار شناختی کالبدی‌های معماری، نیمنگاهی نیز به عوامل اجتماعی و فرهنگی موجود آن داشته است. با وجود آن‌که در سطح جهانی نظریه پردازان اندکی به این مقوله پرداخته‌اند، اما امروزه جنبه‌های اجتماعی روستاهای بیشتر مورد توجه برنامه‌ریزان روستایی قرار گرفته و از اهمیت نسبی برخوردار است. در این راستا، غالب نظریه‌پردازان مطرح جهانی بر تأثیرگذاری کالبد زیستی بر کنش‌های اجتماعی و بر ساخت خصوصیات روانی محیط تأکید داشته و کمتر در مورد تأثیر اجتماع بر کالبد سخن به میان آورده‌اند. بنا بر دیدگاه‌های مختلف طرح‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌ها، نظریه‌پردازان این حوزه، آرایی را با رویکردهای متفاوتی ارایه نموده‌اند. چنان‌که گوردن کالن^۴ بر اهمیت جلوه بصری محیط مصنوع تأکید کرده و منظر محیط را یکی از روش‌های درک آن عنوان نموده است.^۵ همچنین ادموند بیکن^۶ نیز ابعاد بصری محیط را در ایجاد

نظام‌های بهره‌برداری از زمین و مهاجرت روستائیان در دهه ۵۰، محرومیت‌زدایی از روستاهای در دهه ۶۰، فقر روستایی و اشتغال در دهه ۷۰ و پس از آن، پرداخته شده است. با نگاهی به تاریخ برنامه‌ریزی روستایی می‌توان شاهد تغییر در رویکرد برنامه‌ریزان و ارتقای برنامه‌ریزی روستایی از نگاه کارکردی محض به کالبد روستا، به نگاهی چند بعدی و چند ساحتی بود که وجودی از ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز در برنامه‌ریزی بررسی‌های برنامه‌ریزی روستایی در ایران مبین وجود قانونمندی‌های بومی براساس شبکه دسترسی، نظام محلات و مراکز محلات^{۱۴}، الگوی معماری و ساخت مسکن و نظام کاربری زمین بوده است (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷). این انتظام، تابعی از خصوصیات اجتماعی-فرهنگی در کنار عوامل طبیعی و اقتصادی است. شناخت این خصوصیات بهدلیل تأثیرشان در حیات اجتماعی روستاهای و به عنوان مبنای بر برنامه‌ریزی‌های روستایی اهمیت یافته است. با وجود آن‌که جامعه‌شناسان به طیف گسترده‌ای از مباحث و مسایل مربوط به جوامع شهری علاقه‌مندند، اما تاکنون توافق عملی بر سر مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی وجود نداشته است. با این وجود تمکن به چند شاخص اصلی که در رویکردهای مختلف این حوزه دارای اهمیت بیشتر بوده است و بر آن اتفاق نظر نسبی وجود دارد، ممکن می‌گردد.

روش‌شناسی تحقیق

هدف مقاله حاضر، شناخت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان و ویژگی‌های این اثرگذاری است. در این مقاله به منظور کاربرد شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در مطالعات موردي (پنهانه فرهنگی گیلان)، به معرفی و تأثیر عوامل یاد شده بر نظام‌های کالبدی روستایی در نقاط مختلف خرده

هویت سکونتگاهی مؤثر دانسته و افزایش رفاه و شادابی ساکنان را در گروه کیفیت زیبایی‌شناسی فضاهای عمومی سکونت‌گاه می‌داند.^{۱۵}

از سوی دیگر کامیلوسیته^{۱۶} معتقد بوده است که فرایند رشد طبیعی ساختار سکونت‌گاهی به سرزندگی آن کمک می‌کند. کوین لینچ^{۱۷} بر رفع نیازهای روانشناختی ساکنان از طریق طرح ریزی کالبدی اشاره داشته و بیان نموده است که افراد به شناخت محیط خود و ادراک آن نیازمندند. او با تأکید بر ارزش عملی و احساسی فرم ظاهری برای ساکنان، اذعان داشته است که جلوه متمایز شهری به عنوان اساس توسعه فردی به مسیریابی مردم در سکونت‌گاه کمک می‌کند.^{۱۸} اما برخلاف نظریه پردازان فوق، مایکل تریب^{۱۹} اعتقاد دارد جلوه سه‌بعدی سکونت‌گاه به صورت برهم‌کنش میان عناصر مرئی چشم‌انداز، طرح زمینی، فضای باز و ساختمانها است و بر شکل‌گیری سکونت‌گاه‌ها از طریق تصمیمات آگاهانه یا ناآگاهانه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده است. تریب به حالت وحدت یا تنوع، عمومی یا خصوصی، متوالی یا متغیر و معین یا نامعین بودن جلوه بصری و نیز طراحی فضاهای باز و میدان‌ها و خیابان‌ها توجه داشته است.^{۲۰} آموس راپاپورت به خیابان‌ها و معابر به عنوان عنصر اصلی در سکونتگاه‌ها توجه کرده و معتقد است که نیاز به کارشناسان بین‌رشته‌ای در طرح ریزی خیابان‌ها و معابر وجود دارد. راپاپورت همچنین در خصوص تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی بر شکل‌بنا بر این باور است که شکل‌بنا، بر اساس نیازها و نوع آن نبوده، بلکه مبتنی بر پاسخی است که در فرهنگ‌های مختلف به آن داده می‌شود و معتقد است که شکل معماری قبل از هرچیز به فرهنگ وابسته است.^{۲۱} در ایران جامعه‌شناسی روستایی سابقه‌ای پنجاه ساله دارد که بیشتر به موضوعاتی نظیر اصلاحات ارضی در دهه ۴۰،

جمع آوری شده است. این روستاها از حوزه‌های مختلف فرهنگی شرق و غرب گیلان (بیه پیش و بیه پس)^{۱۵} و حوزه‌های اقلیمی کوهستان، کوهپایه، جلگه و نوار ساحلی، به لحاظ تعمیم‌پذیری به کلیه نقاط استان، انتخاب شده است. در بخش مطالعات در خصوص تعمیم اطلاعات روستاها به کلیت خصایص اجتماعی- فرهنگی گیلان از روش استقرا و در تحلیل اطلاعات بیشتر از شیوه قیاس استفاده شده است. بدیهی است در این تحقیق که به تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر ساختار کالبد زیستی اختصاص دارد، ویژگی‌هایی نظیر خصوصیات طبیعی متغیر مستقل، خصوصیات معیشتی و خصایص فرهنگی متغیرهای میانگر و ویژگی‌های کالبدی به عنوان متغیر وابسته مطرح می‌باشند. هرچند که برخی از خصایص سیاسی و فرهنگی نیز در شرایطی به عنوان متغیر مستقل منظور می‌گردند.

دسته‌بندی عوامل اجتماعی مؤثر بر سکونتگاه‌ها
وقتی تأثیر عوامل اجتماعی بر سکونتگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد، منظور بررسی ساختار اجتماعی است. بدین سبب موضوعاتی مانند گروه‌های اجتماعی از دیدگاه نظریه‌های جامعه‌شناسی دارای اهمیت ویژه است. زیرا موضوعاتی مانند قوانین، دین و عقاید مذهبی، سبک زندگی، اخلاقیات و شیوه‌های زیستی تأثیری عیان بر ساختار فیزیکی سکونت دارند. "ریشه‌های نگرش فرهنگی اجتماعی به شکل امروز آن در معماری را باید در علوم جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی جستجو نمود" (معماریان، ۱۳۸۴: ۳۷۰). جامعه‌شناسی علمی، به شکل ساختارمند آن که در ظاهر بر تفکرات غربی بنا نهاده شده است، ریشه در اندیشه‌های کهن‌تری دارد که مرهون فعالیت‌ها و نظرات علمای اسلامی نظیر فارابی، یبرونی، خواجه نصیر، مولوی و سرآمد آنان ابن خلدون می‌باشد.^{۱۶}

اقليمی گیلان پرداخته می‌شود. نظر به اینکه بررسی ویژگی‌های اجتماعی (و به خصوص فرهنگی) نمی‌تواند محدود به حوزه‌ای بسته باشد و این مقوله متعاقب ارتباطات اجتماعی بزرگ و متوسط، در مکان، تحدید‌پذیر نبوده ولی در زمان تغییر می‌یابد، لذا تدقیق به صورت مطالعه موردي بدون فرانگری در حدود مکانی، امری غیر علمی خواهد بود. با این حال امکان تحقیق ژرفانگر، در این خصوص بیشتر به صورت تکنگاری میسر می‌باشد. بنابراین تعمق در ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی برای مقاله حاضر که محدود به حوزه فرهنگی گیلان است، در محدوده شهرستان رودسر به روستاهای کوشکوه، قاسم‌آباد، سجیران، لیما، حسن‌سرا و آگوزین کندرس، خرد اقلیم‌های حاشیه دریا، جلگه، میان‌بند و کوهپایه و کوهستان را شامل می‌گردد. هرچند که تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی تنها به این منطقه محدود نبوده است، با این حال مطالعه موردي در این منطقه وجود این تحقیق را ملموس‌تر می‌نماید.

این نوشتار که بر مبنای تحقیق کاربردی-توسعه‌ای با راهبرد پژوهشی توصیفی و علی است، به مطالعه موردي در منطقه جغرافیایی گیلان توجه دارد؛ که از سویی بر مدارک استنادی و منابع نوشتاری استوار است و از سویی دیگر بر شرایط اجتماعی و فرهنگی نظر دارد و به فهم کالبد روستا از دیدگاه کل نگر می‌پردازد. اطلاعات آن با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی به روش مشاهده مشارکتی گردآوری شده است. مبانی نظری این تحقیق کیفی در اغلب بخش‌ها بر پارادایم ساختارگرایی و مستقل از مستندات عددی است. رویکرد نظری اثباتی نبوده، بلکه هنجاری با دامنه متوسط است. داده‌های مطالعات میدانی این مقاله در بیش از ۱۵۰ روستای استان گیلان از میان بیش از دو هزار و هشتصد روستای دارای سکنه، طی سالیان متوالی (بیش از چهارده سال)

پاسخ‌گویی به الزامات زیست جمیع انسان است؛ زیرا حیات و بقای انسان در گروه زیست اجتماعی است."اجتماعی بودن در وسیع ترین معنا، هر نوع رفتار یا نگرشی است که از طریق تجربه حال یا گذشته، از رفتار سایر مردم تأثیر پذیرفته؛ یا اشاره به رفتاری است که به سوی سایر مردم جهت‌گیری شده است. اجتماعی بودن در برخی موارد به همکاری یا کنش گروهی، سازمان یافته و هدفمند محدود می‌شود"(گولدو کولب، ۱۳۸۴: ۲۹). به بیانی دیگر، اجتماعی بودن خصوصیتی است که متأثر از احساس‌ها و نگرش‌ها بوده و در ارتباط با سایرین به کار برده می‌شود و از این رو بر کالبد زیستی انسان ساکن در جامعه نیز مؤثر است. همان‌گونه که از تعاریف مترتب بر جامعه استفاده می‌شود جامعه، نظامی از روابط و مناسبات متقابل است که افراد را به هم پیوند می‌دهد و همه جوامع بر این اساس متحده می‌شوند که اعضای آن‌ها مطابق با فرهنگ یگانه‌ای بر ساختاری از روابط اجتماعی سازماندهی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴). بر این اساس می‌توان اذعان داشت که هر آنچه در ارتباط با جامعه مطرح می‌گردد، با روابط افراد و روابط فرهنگی حاکم بر جامعه بی ارتباط نیست. اینچنین است که فضای اجتماعی به عنوان عاملی اساسی در اتخاذ تصمیم‌های افراد جامعه مؤثر می‌افتد. "مفهوم فضا، متضمن فهم دنیای اجتماع در قالب روابط است. این مفهوم تاکیدی است بر این که هر واقعیتی که به وسیله آن تعریف می‌شود، در رابطه بیرونیت متقابل عناصری قرار می‌گیرد که این فضا را تشکیل می‌دهند" (بوردیو، ۱۳۸۹: ۷۲). فضای اجتماعی به معنی متفاوت شدن اجتماعی است که می‌تواند مبین آشتی‌پذیری و یا رویارویی‌های میان افراد مختلف در این فضا باشد.

جستجو در میان نظرات ارایه شده از سوی متخصصان در خصوص عوامل اجتماعی-فرهنگی حاکم بر جوامع

ساختار فیزیکی و کالبد در معنای عام، مفهومی است که تعریف و تحدید کننده فضا محسوب می‌شود و "فضا مجموعه‌ای از موضع متمایز و هم‌زیست بیرون از یکدیگر است که به وسیله یکدیگر، به وسیله بیرونیت متقابل از هم و به وسیله روابطی چون نزدیکی، دوری و نیز به وسیله روابطی که نظم را نشان می‌دهد مثل رو، زیر یا بین تعریف می‌شود" (بوردیو، ۱۳۸۹: ۳۳). اما مفهوم کالبد روستا، به معنای بستری است که امکان شکل‌گیری فعالیت‌های روستایی را فراهم ساخته و بافت روستا نیز به واسطه آن ادراک می‌گردد. "بافت روستا مجموعه‌ای به هم پیوسته از فضاهای پر و خالی شامل مسکن، فضای مذهبی، فرهنگی، بهداشتی و خدماتی، فضاهای عمومی و اختصاصی، فضاهای ارتباطی و فضاهای باز است که در کنار یکدیگر ساختار کالبدی را شکل می‌دهند" (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱). با بیانی متكامل، اذعان می‌شود که "بافت کالبدی روستا شامل مجموعه ابعاد فیزیکی و قابل مشاهده و اندازه‌گیری بافت روستا است که نتیجه دخالت عوامل تأثیرگذار طبیعی و انسانی در فضایی تعاملی است" (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷). بر این اساس می‌توان گفت اجتماع انسانی در هر سکونت‌گاهی چه برآساس دیدگاه‌های تجربی و چه برآساس برنامه‌ریزی‌های جدید، در برخورد با محیط و تأمین نیازهای اجتماعی انسان در آن، دارای تمایلات و علایقی است که آنچه بنا می‌سازد نتیجه همنشینی علایق فردی و اجتماعی با محدودیت‌ها یا تسهیلات محیط طبیعی است. چرا که اجتماع ساکن در روستا برای استفاده از زمین، ایجاد شبکه معابر، مکان‌یابی کاربری‌های مختلف و ساخت و ساز، از امکانات محیطی استفاده کرده و البته محدودیت‌های محیطی را نیز منظور می‌دارد.

سکونت‌گاه‌های بشری در پی پاسخ به نیازهای مادی و غیر مادی انسان شکل می‌یابند. از مهم‌ترین این نیازها،

شهری و روستایی، طیف متنوعی از شاخص‌ها، عوامل و عناصر اجتماعی را معرفی می‌نماید. چنان‌که ابن‌خلدون^{۱۷} برخی از تفاوت‌های سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی را با برشماری خصایص اجتماعی-فرهنگی، در پرداختن به فرهنگ و بروز ویژگی‌های ظاهری تمدن، خصایص جمعیتی و روابط خویشاوندی، خصوصیات اقتصاد معیشتی و شیوه‌های زندگی روزمره مرتبط با آن، اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم و کنش‌های فرامادی، و البته سعادت، سیاست، دیانت و اخلاق بیان نموده است.^{۱۸} بررسی نظریات متخصصان دیگر نیز، امکان دسته‌بندی معیارهای سنجش و عوامل اثرگذاری را فراهم می‌آورد.

رالف لیتون^{۱۹} معتقد بر ایده «تحلیل فرد براساس روانشناسی، جامعه براساس جامعه‌شناسی و فرهنگ براساس قوم‌شناسی فرهنگی» است و بیان می‌دارد که رابطه سه‌گانه فرد، جامعه و فرهنگ و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر چنان آشکار و دایمی است که هرگاه محققی بخواهد در مورد یکی بی‌توجه به آن دو دیگر، تحقیق کند خیلی زود به بن‌بست خواهد رسید (Linton, 1945:21) از این منظر، نمی‌توان بررسی و تحلیل کالبد سکونت برای انسان را بدون لحاظ عوامل فرهنگی و اجتماعی صحیح یافت. آموس راپاپورت، اجتماع و فرهنگ را به مثابه عامل تعیین‌کننده غیرمادی در شکل بنا می‌داند و معتقد است "کالبد سکونتی یک کنش انسانی است و حتی در سخت‌ترین شرایط و در میان شدیدترین تنگناها و قیود فیزیکی و با تکنیک‌های محدود، باز هم یک انتخاب از میان انتخاب‌های متعددی است که نقش ارزش‌های فرهنگی را روشن می‌سازد" (راپاپورت، ۱۳۸۸:۸۵). نظریه‌های کنش اجتماعی که متوجه تحلیل چگونگی رفتار کنشگران فردی و جهت‌گیری آنان در قبال یکدیگر و جامعه است، می‌بین گزینش فرهنگی شکل کالبد سکونتی است و کنش مبتنی بر ساختارها است که

ویژگی‌های بافت کالبدی روستاهای گیلان

کالبد و معماری بومی روستایی در گیلان با ظاهر مغایر خود، اقتباسی ساده از طبیعت و جغرافیای منطقه بهمراه اثرباری زیاد از ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی ساکنان آن بوده و پاسخگوی نیازهای سکونتی مردمانی است که فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگ‌زیستی آنان، متفاوت با دیگر نقاط ایران است. اجتماعات روستایی گیلان نیز همچون دیگر "فرهنگ‌های سنتی" که تقسیم کار ناچیزی دارند، از انسجام مکانیکی برخوردارند. از آن‌جاکه اکثر اعضای این جوامع مشاغل مشابهی دارند، به سبب تجربه مشترک و عقاید مشترک بهم پیوند می‌خورند" (گیدزن،

موجب پیدایی شکلی کالبد می‌شود. و بر^{۲۰} اولین جامعه‌شناسی بود که بر تأثیر فرهنگ بر کنش‌های اجتماعی تأکید داشت. "نظریه‌های کنش اجتماعی توجه بیش‌تری بر کنش و کنش متقابل اعضاً جامعه در شکل دادن به ساختارهای بنیادین جامعه می‌کند" (گیدزن، ۱۳۸۶: ۲۸). این که کدام عوامل و نیروهای بیرونی، انسان را قادر به اتخاذ تصمیم می‌نمایند، بهمراه تحلیل چگونگی رفتار فرد به عنوان عنصری از جامعه و جهت‌گیری در گزینش فرم و کالبد، اهمیت دارد. لذا تأکید بر تأثیر عوامل طبیعی یا اقتصادی بدون لحاظ نیروهای اجتماعی و فرهنگی که اتخاذ تصمیم و انتخاب انسان را موجب می‌گردند، سبب گمراهی است.

با تعمق در نظریات جامعه‌شناسان و متفسران (ج ۱)، گستردگی طیف عوامل اجتماعی مؤثر بر کالبد سکونتی عیان می‌گردد. اما با توجه به مفاهیم اصلی جامعه‌شناسی، می‌توان عناصر اساسی مورد مطالعه را در چهار دسته کلی جمعیت، فرهنگ، نهادهای اجتماعی و نظام‌های اجتماعی خلاصه نمود (ج ۲). شایان توجه است که براساس آراء هریک از صاحب‌نظران، توجه به اولویت‌بندی یا تقسیم زیر مؤلفه‌ها می‌تواند متفاوت باشد.

و پویایی یک سازمان فضایی، متأثر از نقش و کارکردهای سکونتگاه‌ها و روابط، مناسبات و پیوندۀای بین اجزای آن است (Lynch, 2005: 2). لذا در گیلان نیز سازمان فضایی روستاها، دارای ساختاری پویا است که برخی از وجوده مشترک آن را می‌توان دسته‌بندی کرد. مسلم آن که هیچگاه نمی‌توان داعیه شناخت کامل همه خصایص (به خصوص اجتماعی و فرهنگی) یک جامعه را داشت.

۱۶: ۱۳۸۶). بر این اساس در جوامع روسیه‌ای که نوع معیشت مردم از تشابه زیادی برخوردار است، شیوه‌های عرفی زندگی، مجال و فرصتی برای اختلاف نظرهای فردی و شخصی باقی نمی‌گذارد و تجارب مشترک شغلی موجب بروز رفتارهای فرهنگی متشابه می‌شود. همچنین سازماندهی بافت كالبدی روستاهای حاصل تعامل جوامع انسانی و ساختار طبیعی منطقه طی مدت طولانی است

نظریه پرداز	چکیده نظر	خصوصیت کالبدی متنج از نظر
ماکس وبر	گروههای شاخص مانند خانواده و گروههای قومی در مناسبات اجتماعی نقش داشته و رفتارهای اجتماعی را معنا و جهت می‌دهند و ضوابط را تعیین می‌کنند (وبر، ۱۳۸۵: ۲۳).	برخی از ضوابط تعیین شده از سوی گروههای قومی و اجتماعی، بر کالبد سکونتی و شکل معماری عامل می‌شوند.
پیر بوردو	عادت‌وارهای اجتماعی تحت تأثیر یک حوزه موج وحدت در روش‌های زندگی در هر موقعیت فرهنگی اقتصادی بوده و آن را دیگر موقعیت‌های زمانی- مکانی تعبییر می‌کنند (بوردو، ۱۳۸۹: ۳۵).	عادت‌وارهای اجتماعی تحت تأثیر از شیوه‌های زیستی، موجب همگونی معماری و کالبد مجموعه زیستی در موقعیت واحد اجتماعی- فرهنگی می‌گردند.
آموس رابپورت	در فرهنگ‌های سنتی، محیط هماند فرهنگ در برخ ہنچارهای رفتاری نقش دارد (رابپورت، ۱۳۸۴: ۲۷).	روش‌های زندگی از مهم‌ترین عوامل شکل مسکن و کالبد روستایی است.
آتناون گیدنز	محیط مادی، سازمان سیاسی و عوامل فرهنگی بر تغییرات اجتماعی مؤثرند و تأثیر عوامل فرهنگی همچون دین، نظام‌های ارتباطی و همایی پیش از دیگر عوامل است (گیدنز، ۱۳۶۷: ۲۶).	رابطه مقابله فرهنگ و کالبد، موجب بروز خصایص و تغییرات اجتماعی می‌گردد و از آن نتیجه تأثیر می‌پذیرد.
ماکس سور	نوع زندگی تحت تأثیر شیوه‌های زیست و نیز الگوهای معشی قرار دارد که برخی از جنبه‌های رفتاری شیوه‌های زندگی، از ثبات و پایداری را شتری برخوردارند.	الکوئی مبینتی روستایی، خصوصیات زیستی پایداری را بر می‌سازد و معماری مناسب با آن را بنیان می‌نهاد.
مهاری حجت	شکل زندگی ممکن بر میارهای اعتمادی و فرهنگ بوده و بر مسکن انسان تأثیرگذار است (حجت، ۱۳۸۸: ۷).	اعتدادات و باورها از اهم عوامل شکل گیری مسکن هستند.
کریستین نورنبری - شولتز	هر اثر معماري به معنای ارزیابی گرینه‌هایی است که با نیازها و نیات انسان سر و کار داشته و دارای معانی وجودی مکرر از زندگی است.	با تعمق در معماری بومی و یافت سکونتی، گرینش‌های فرهنگی انسان و وفاق ارزش‌های اجتماعی عیان می‌گردد.
جان استوری	شکل کالبدی بر مجموعه زیستی مناسب با ارزش‌های گردیده اجتماعی آن بوده و نشان دهنده توافق محیط اجتماعی با محیط طبیعی است.	اجتمام، از طریق بازنمایی معنا، به کالبد معماری همانند سایر پرده‌های فرهنگی ارزش و وزیر می‌بخشد.

ج. ۱. اختصاری از آرای صاحبنظران در خصوص عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر کالبد سکونتی. مأخذ: نگارندگان.

عنصر اساسی جامعه انسانی	مفهوم‌های زیر-مقدمه‌نامی	مفهوم‌های اجتماعی
مشترک‌های بازاری، میزان و پیوهای غیررسمی، ساختاری و جنبشی، ساختار و بعد، متوجه تراویز و زدن و شد جمعیت (آفراس و کاهش)	متوجه سیاستی زندگی میزان با دری، میزان و پیوهای غیررسمی، ساختاری و جنبشی، ساختار و بعد، متوجه تراویز و زدن و شد عامل زننکی	مشترک‌های جمعیت شناختی (دموکرافیک)
نیازیان شناسی، معابر دستاوردهای هنری، صنایع دستی تاواری های چندین دست افاده‌ها و مخصوصات بشری	قدرت، نژاد هر فناوری دانش و اطلاعات بومی علم وقف و اهدای زمین، حرم، قلمرو و محرومیت، سنت و آداب و رسوم، شوهدی رشکاری دوش های زندگی	نمایندگی نمایندگی طبیه
فرهنگ و فرآورده‌های مادی فرهنگ	فرهنگ و فرآورده‌های مادی فرهنگ	گروهها قیلیان، خانواره اقدار و سلطه، نزولت و مقام اجتماعی
نظام‌های اجتماعی	نظام‌های اجتماعی	نششها تفاهات جامعه از فرد قدارت و نفوذ فردی، مسابقات میان فرد افراد
نهاهای اجتماعی	نهاهای اجتماعی	آموزش آموزشی دینات و نهادهای مله‌های نظم سیاسی قویان، امور حکومی، نظم های سیاسی گروهی و دوچار، مخاطب های سیاسی تفسیم کارخانی انجام فعالیت های اقتباسی، در دشنه بودن، اکثریات معیشتی و مشاغل مسلط، اکثریات، نظام های اقتصادی و مشاغل مسلط، نظام های اقتصادی، بلکن
نک همسری با چند همسری، قویت و طایعه و خانوادگی خانواده روابط خوبی‌شناختی، جانی گرفته	نک همسری با چند همسری، قویت و طایعه و خانوادگی خانواده	

ج. ۲. مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر جوامع که از منظر صاحب‌نظران بازشناخته می‌شوند. مأخذ: نگارنده‌گان.

فعالیت‌های اقتصادی: با آن‌که شیوه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل مسکن است، اما در یک منطقه و با فعالیت اقتصادی مشابه، پاسخ‌هایی متفاوت به نیازهای فضایی مشاهده می‌گردد. به طور مثال با اقتصاد مسلط کشاورزی و کشت برنج در جلگه‌های گیلان، فضای تخصیص یافته برای انبار کردن برنج در مناطق مختلف متفاوت بوده و نیز فضای استقرار دامها (دام مسلط در این استان، گاو است) در خانوارهای روستایی گیلان به رغم همگونی در شیوه فعالیت اقتصادی خانوارها، از تنوع و تعدد گونه‌ای برخوردار است (طوله‌های دور از خانه مسکونی در مناطق جلگه‌ای و نیز طوله‌های متصل به فضای مسکونی). در گیلان مانند بسیاری از نقاط دنیا "بنا یا ساختمان بومی، بنایی تجمیعی است؛ یعنی گسترش آن از طریق افزایش یک جزء به جزء دیگر به دست می‌آید و ساده‌تر از اشکال انعطاف‌ناپذیر بنایی صاحب سبک، خود را با تغییرات هماهنگ می‌سازد" (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۶۴). معماری بومی روستایی گیلان، مانند هر معماری برخاسته از زادبوم و برمبنای نیازها و هماهنگ با عوامل محیطی (اکولوژیک) پدید آمده و از سوی دیگر بر پایه باورهای ذهنی و کنش‌های اجتماعی-فرهنگی مردم منطقه در هماهنگی با کنش‌های اقتصادی، شکل یافته است. با آن‌که در چگونگی شکل‌گیری معماری گیلان، عوامل جغرافیایی و خصوصیات آب و هوایی، به همراه امکانات طبیعی و بومی منطقه، از جمله مصالح و فن ساخت، نقش اساسی دارد، با این وجود تأثیر بارز فعالیت‌های معیشتی و کنش‌های اقتصادی بر مسکن بومی را به سهولت می‌توان مشاهده نمود. بیشتر متعلقات خانه و فضاهای خدماتی واحد مسکونی همانند تلمبار، کندوج^۱ و طوله، به طور مستقیم در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی پدید آمده‌اند. بدیهی است که ساکنان، از تنوع

زیاد این عوامل (طبیعی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی) بهره برده تا به تواند به بهترین نحو وضعیت مسکن، محله و سکونتگاه خود را بهبود بخشدند (Mtwangi Limbumba, 2010: 193-192).

فرهنگ: در اغلب پنهانه‌های اقلیمی گیلان، شمای معماری بومی همسو با عوامل اجتماعی-فرهنگی، هویت معماری این منطقه را بر ساخته است. هویتی که با وجود تشابه خصوصیات آب و هوایی گیلان با برخی مناطق^۲ دنیا، منحصر به فرد است (دیبا و یقینی، ۱۳۷۲: ۱۰). بدین معنا که در مناطقی از جهان که ویژگی اقلیمی مشابه گیلان دارند، الگوهای متفاوتی از ساختار کالبدی سکونتگاه روستایی دیده می‌شود و براین اساس می‌توان باور داشت: "تفاوت‌هایی که میان انواع بنایهای مناطق مختلف وجود دارند، مبنی تفاوت‌هایی است که در فرهنگ آیین و منظر، مصالح ساختمانی و تکنیک‌های اجتماعی، اقلیم و منظر، مصالح ساختمانی و تکنیک‌های موجود و قابل دسترسی و... وجود دارد" (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۳۰). کالبد مجموعه‌های سکونتی، همانند تمامی محیط‌های مصنوع در برگیرنده تصمیمات، گزینش‌ها و روش‌های خاص انجام کار انسان بوده و مختصوم به "گزینش یک راه حل از میان تمامی راه حل‌های ممکنه است. گزینش انجام شده، معمولاً با فرهنگ مردم مذکور تطابق دارد و به طور کلی یک نحوه بررسی فرهنگ‌ها، بررسی گزینش‌های مختلف آنان می‌باشد. همین مجاز بودن گزینش‌ها است که مکان‌ها را به صورتی بارز از هم متمایز می‌کند" (راپاپورت، ۱۳۶۶: ۱۶) و معماری‌های متفاوتی را شکل می‌دهد. درست است که موقعیت و سایت (محوطه) به عنوان جبر فیزیکی بر شکل مسکن مؤثر است، اما خود بر ارزش‌های فرهنگی اجتماع نیز اثرگذار بوده و از این طریق مجدداً بر الگو و شکل خانه تأثیر دارد. بنابراین "به دو طریق می‌توان تأثیر سایت بر

حکایت از وفاق اجتماعی و وجود امنیت طولانی در این مناطق دارد(ت۱). این عامل در کنار دلایل اقلیمی، بافت باز را موجه جلوه می‌دهد. نوع مخصوصیت و گونه‌های حصار و دیوار بناهای مسکونی گیلان، مبین میزان محرومیت فضایی و نحوه تفکر و اعتقادات مردم این مناطق است(ت۲).



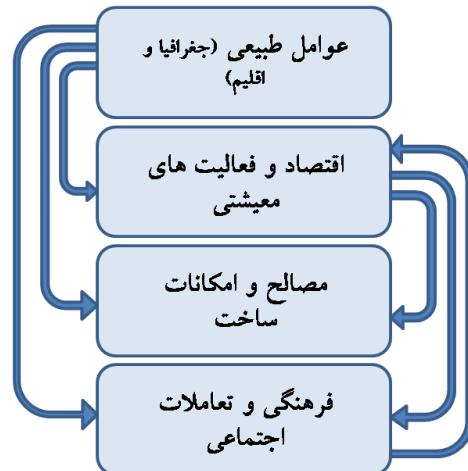
ت۱. بافت باز و عدم وجود حصار محکم در محوطه خانه روستایی در روستای آق اولر. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.



ت۲. پوشش ایوان و تلار از طریق پارچه برای جلوگیری از دید نامحرم در روستای لات لیل. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.

روابط اجتماعی: در بسیاری از روستاهای گیلان، روابط اجتماعی خارج از روابط خویشاوندی، منجر به همزیستی و همسایگی افراد در کنار یکدیگر بوده و لذا محلات روستا کمتر بر مبنای قومیت شکل یافته‌اند. در واحد همسایگی در روستاهای پهنه‌های مختلف گیلان،

بنا را مورد توجه قرار داد. طریقه اول عبارت است از بررسی طبیعت فیزیکی سایت یا موقعیت هر بنا، یعنی شب آن، جنس خاک یا جنس و نوع زمین، مسیر حرکت آب‌های سطحی، مسیل‌ها، پوشش گیاهی، اقلیم، خردۀ اقلیم و... و روش دوم روشنی است که ارزش‌های سمبولیک، اعتقادی یا فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی سایت و نتایج حاصل از آن و تأثیرات آن بر بنا را مورد بررسی قرار می‌دهد"(راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۱۸). تأثیرگذاری عوامل طبیعی و محیطی در ایجاد شکل و ساختار خانه و مجتمع زیستی بسیار اهمیت دارد؛ اما انتخاب موقعیت استقرار و گزینش مکان ساخت بنا، به ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی نیز وابسته است(ن ۱).



ن ۱. تأثیرپذیری عوامل مؤثر بر مسکن از یکدیگر.
مأخذ: نگارندگان.

امنیت: عامل دفاع و یا وجود امنیت در هر منطقه توجیه کننده خصوصیات دیوارها، موائع، پرچین و حصار به اشکال متخلخل یا صلب، به دلیل نقش دفاعی و بازدارندگی آن‌ها است. یقیناً این عناصر دارای اهمیت و کارکرد مذهبی نیز هستند که با وجود امنیت و یا نزاع، تشدید یا تعدیل می‌گردند. فقدان حصار محکم و دیوارهای صلب در معماری بومی روستایی گیلان

استقرار خانوارهای خویشاوند کمتر مورد توجه است. نحوه ایجاد واحدهای همسایگی و همچواری واحدهای مسکونی، تبیین کننده تأثیر بارز روابط اجتماعی است. در این مناطق، تأکید بر تشکیل محلات بر مبنای قومیت و روابط خویشاوندی، کمتر مشاهده شده و بیشتر جایگیری خانوارهای گسترد پدری در یک محوطه مسکونی با عناصر خدماتی مشترک به چشم می‌خورد. در مناطق جلگه‌ای، اجزای محوطه مسکونی به صورت منفک درون محوطه قرار گرفته و همانگونه که بیان شد، سازماندهی فضایی، از روش تجمعی عناصر کارکرده بهره می‌برد. به بیان دیگر در نظام استقرار کالبدی محوطه مسکونی از روش افزایش فضایی بر فضای دیگر استفاده می‌گردد اما در نقاط کوهستانی که عناصر خدماتی و مسکن در قالب یک واحد ساختمانی گنجانده می‌شوند، از روش تفکیک داخلی و تجزیه ساختمان به اجزای کارکرده استفاده می‌شود.

قلمره: در نظام جایگیری عناصر محوطه مسکن روستایی گیلان، آنچه که بیشترین اهمیت را دارد، در مرکز زمین واقع می‌گردد و لذا خانه (بنای مسکونی) در مرکز محوطه (سایت) استقرار می‌یابد. در زندگی اجتماعی روستایی گیلان، خانه تنها، جزیی از یک مجتمع زیستی همگن است و کل مجتمع، قادری از زندگی است که سلسله مراتب خصوصی سازی زیستن در آن به غایت رعایت شده است و سکونت خصوصی، سکونت عمومی و سکونت مجتمع یا سکونت در آبادی، مکمل هم واقع می‌شوند. اساساً فضاهای عمومی روستا صحنه ملاقات و دیدار انسان‌ها و ارتباط عمومی آن‌ها است. از این‌رو در این فضاء، انسان با احساس آزمودن آنچه که به یک جهان معنا می‌بخشد، مسکن می‌گزیند. با پذیرش چنین فضایی، روابط اجتماعی از دیدارهای ساده، به توافقاتی پیچیده ارتقا می‌یابد که نشان از توسعه جامعه داشته و امکان عضویت و اجتماع‌پذیری را میسر می‌سازد. این تعامل، نیازمند فضایی

مشاع است که دیدارهای روزانه در آن به وقوع بیروند و این مکان عمومی نیز حافظ ارزش‌های مورد توافق در اجتماع بوده و سکونت عمومی را فراهم می‌سازد. در روستاهای گیلان به طور عام کوچه به رغم آن‌که عناصر مجموعه زیستی را بهم پیوند می‌دهد، مرز میان دو فضا، دو واحد مسکونی غیر مجاور و یا محوطه‌های آن‌ها است. در مناطقی همانند نقاط کوهپایه و کوهستان‌های گیلان مرزی مشخص میان محوطه واحد مسکونی و معتبر مجاور آن وجود نداشته و در پاره‌ای از اوقات انجام برخی فعالیت‌های محوطه مسکونی در معتبر صورت می‌پذیرد. با توجه به اینکه ارتباط بالافصل خانه با اجتماع توسط کوچه تأمین می‌شود، می‌توان بیان نمود که کوچه نقش مهمی در زندگی اجتماعی انسان داشته و ارتباط میان کوچه و قلمرو خصوصی (گذر از کوچه به خانه)، اهمیت بسیار زیادی دارد. در روستاهای گیلان، مرزبندی بنای‌های مسکونی همانند شهرهای بزرگ که در آن حریم‌های عمومی و خصوصی به غایت تفکیک شده است، وجود نداشته و تمایز در تقسیم‌بندی فضایی، رویت نمی‌شود. خانه در روستا با مفهوم واقعی سکونت، به‌شکلی تمایز از زندگی گستته افراد جامعه در شهرهای بزرگ متجلی می‌شود.

هویت: روستا یکی از عرصه‌های پایدار و بسیار کهن سکونت جمعی انسان است و شامل فضاهایی عمومی است که زندگی اجتماعی در آن شکل می‌گیرد و در هم نشینی با خانه که محل سکونت خصوصی است، هویت فردی را معنا می‌بخشد. تعاملات اجتماعی انسان‌ها پس از تشکیل مجتمع‌های زیستی که در راس آن روستا است، تولد می‌یابد و حاوی توافق میان ساکنان یک سکونتگاه مجتمع و حافظ منافع مشترک و ارزش‌های اجتماعی آن‌ها است. این تعاملات منجر به امکان عضویت در اجتماع و تحکیم روابط بین اعضاء می‌شود و



ت ۳. فضاهای و عناصر معماری خانه، در تلفیق با فضای عمومی معبر. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.

تأثیر عوامل اجتماعی بر کالبد روستایی در گیلان

مطابق مطالب پیش‌گفته مقاله و با تکیه بر مشاهدات میدانی، با دسته‌بندی عوامل اجتماعی حاکم بر مجموعه‌های زیستی، الگوی تحلیلی آزموده شامل عناصر اصلی اجتماعی اثرگذار بر کالبد روستاهای گیلان را می‌توان در جدول شماره ۳ خلاصه نمود.^{۲۴}

چنانکه از جدول استنباط می‌شود هر یک از عناصر جوامع انسانی، بر اجزای کالبد مجموعه زیستی تأثیر چند جانبی دارد. البته نه تنها عناصر جامعه را می‌توان به اشکال و اجزای مختلف دسته‌بندی کرد، بلکه تأثیر آن‌ها بر کالبد نیز به صور مختلف می‌باشد. آنچه حائز اهمیت است این است که مطالعه در خصایص اجتماعی-فرهنگی مردم هر منطقه، بر فرایند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی کالبد زیستی مناسب برای آنان، الزامی است. با توجه به ریز مؤلفه‌های بیان شده در جدول، به نظر می‌رسد که چند عامل اجتماعی-فرهنگی بیش از سایر عوامل به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کالبد اثر می‌گذارد که از آن جمله فناوری، کنش‌های معیشتی و تقسیم کار، شیوه‌های زندگی روزمره، آداب و رسوم و آیین، روابط و جایگاه اجتماعی افراد، قدرت و اقتدار، حریم و قلمرو، جهان‌بینی و اعتقادات فرامادی است که بررسی هریک تحقیقی مجزا را می‌طلبد.

خود نیازمند فضایی همگانی و مشترک میان اعضای مجتمع زیستی است که به دیدارهای روزانه منجر می‌شود. فضاهای عمومی که سکونت عمومی را در بر می‌گیرند، مکمل جنبه دیگر سکونت یعنی خلوت فردی است که در مسکن شکل می‌پذیرد و موجب پرورش هویت است. سکونت حس تعلق خاطر به نقطه‌ای خاص است که دارای تأثیرات عمیق و پایدار می‌باشد. این هویت در بستر وجودی خود که ناشی از تعلق به مکانی در کنار سایرین است، در گذر زمان به هویت اجتماعی و عمومی بدل می‌شود.

احساس تعلق داشتن به مکان و یک قلمرو و نیاز به هویت، از نیازهای ثابت با حساسیت بحران‌زاوی زیاد است. هویت به معنای درک مردم درباره کیستی و چیزهایی است که برایشان معنادار است. مفهوم هویت در فرآیند اجتماعی‌شدن انسان یافت می‌شود و کنش متقابل بین شخص و جامعه موجب اتصال جهان شخصی و عمومی وی می‌گردد. در روستاهای گیلان خانه جدای از محله و روستا نبوده بلکه در موافق با آن، گوشه‌دنجی برای زندگی خصوصی است که در ارتباط با مردم روستا نیز قرار می‌گیرد (ت ۳). زندگی کردن در منطقه‌ای آشنا و میان مردمی از نوع خود که شیوه‌ها و عادات‌هایشان را شناخته شده است به انسان احساس امنیت می‌دهد. بدین سبب زندگی افراد روستا، با آبادی یعنی صحنه رخداد سکونت طبیعی، درهم می‌آمیزد.

با تعمق در خصوصیات کالبدی روستاهای گیلان می‌توان به اثربخشی بافت کالبدی از عوامل اجتماعی-فرهنگی در کنار سایر عوامل پی برد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها بیان گردید. مسلم آن‌که تبیین تمامی خصایص اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر معماری و بافت کالبدی در قالب مقاله نمی‌گنجد. اما می‌توان اصلی‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر را دسته‌بندی کرد.

بافت کالبدی روستا				مؤلفه‌ها	دفتر	آنچه‌ای انسانی	آنچه‌ای جامعه‌ای
نظام شیمیای بافت کالبدی و معماری بنایها	نظام محله‌بندی	نظام شبکه‌بندی معابر	نظام کاربری اراضی				
افزایش سطح زیرینا از طریق احداث اجرا نظری ایوان الحاقی در همکفت برای افزایش جمعیت خانوار پیش‌بینی افزایش سطح زیرینا در مسکن برای توسعه آئی استقرار خانواده‌های گسترش پدری در یک مجموعه ساخت منزل مسکونی با مصالح متفاوت، ارزان و گاه نامناسب توسط مهاجران	تعدد محله‌ها و مراکز آنها ساماندهی فضاهای عمومی در محله محله‌بندی مستقل قویت‌های مختلف در روستا (جداسازی اقامه محلی و مهاجرین) بوجود آمدن محله‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی در حومه روستاهای ناسامانی و عرض کم معابر در محله‌های مهاجرنشین	تعريض معابر بهمنظر تسهیل در تردد پیاده و سواره در پی افزایش جمعیت سکونت گاه تعداد واحدهای خردوفوشی در کنار معابر اصلی و فرعی و تغییر در اتساع فضایی معابر بر اساس کاربری و ازدحام تغییر کاربری اراضی و کالبدی در پی تغییرات ساختار جمعیتی نظری مرگ و میر و مهاجرت‌های افزایشی و کاهشی	اختصاص کاربری مسکونی و غیر مسکونی بهزاری از دیهای جمعت تخصیص فضاهای کالبدی مناسب با ساختار سنی و جنسی، همانند مدارس، فضاهای فرهنگی و ...	بنیادنی (موکب‌گیرنده) و ...	۱	بعنوان	آنچه‌ای بود
استقرار از مصالح جدید و فناوری‌های نوین (عموماً وارداتی) در ساخت بنایها پیش‌بینی و اختصاص فضا برای استقرار ادوات و ماشین‌های کوچک کشاورزی (ظیر تبل و موتور دروغ) درون محوطه مسکونی گریش الگوهای عماری براساس خاصیت و پیشنهاد فرهنگی کشتهای روزانه مربوط به شیوه‌های زندگی تکمیلی محلات بر پایه سطح درآمد و کشتهای روزانه مربوط به شیوه‌های زیستی در کنار معابر تداخل حرمی‌های عمومی و خصوصی (معابر و محوطه خصوصی) با توجه به مقایمه فرهنگی فلامر و محرومی استقرار برخی عناصر و فضاهای خدماتی مسکن در مجاورت معبر به جای قرارگیری در محوطه مسکن	تکمیلی محلاط براساس خصوصیات فرهنگی، قومی مذهبی (تشیع و تسنن در غرب گیلان) تکمیلی محلات بر پایه سطح درآمد و کشتهای روزانه مربوط به شیوه‌های زندگی عالم وضوح محدود و قطعیت در مرزیندی محلات به دلیل همثیتی و تجازس فرهنگی مردم روستا	تعريض معابر و انتصاص سواره‌رو با افزایش اتوپیل در سطح روستا استفاده از فضاهای کشاورزی و شالیکاری با استفاده از تکنیک‌های جدید تخصیص فضا برای برخی کاربری‌های تاسیساتی و تجهیزات روستایی (مخابرات، پست برق و ...) مناسب با پیشرفت تکنولوژی وقف زمین روستا و انتصاص آن به کاربری‌های آموزشی یا عبادی (مسجد، حسینیه) بر اساس اعتقادات مذهبی	پیکارچه شدن اراضی کشاورزی و شالیکاری با استفاده از تکنیک‌های جدید	فرآوردهای مادی و فرهنگی	۲	آنچه‌ای بود	آنچه‌ای نداشته باشد
انتخاب الگوی مناسب برای مسکن افراد بر حسب موقعیت اجتماعی آنان شکل‌گیری عماری بنایها براساس وضعیت فرهنگی و معیشتی قشرهای مختلف روستا وجود عناصر خدماتی واحد مسکونی بر حسب شیوه‌های زیستی	همسایگی و استقرار گروه‌های خویشاوندی در یک محل و منطقه شکل‌گیری مرکز محله در مجاورت مسکن افراد صاحب اقتدار اسکان افراد هم پایه یا طبقه در یک محل شکل‌گیری مراکز محله در روستا مناسب با تجمع گروه‌ها و قشرهای مختلف	ارتباط معابر و محوطه مسکونی (تدالی یا تفکیک) وجود معابر فرعی با دسترسی محدود و حق ارتقاء در گره‌های مسکونی و خویشاوندی ارتفاع درجه معبر براساس استقرار افراد با نفوذ و قطب روستا تصاحب و تغییر کاربری اراضی بر اساس روابط سلطه، قدرت و اقتدار	میزان تملک بر اساس موقعیت اجتماعی فرد جایگزینی مسکن افراد شاخص در کنار معابر اصلی و مکانهای مهم هماند گره و قطب روستا	آنچه‌ای بود	آنچه‌ای نداشته باشد	۳	آنچه‌ای بود
اختصاص فضایی برای همکن در واحد مسکونی احداث و الحاق اتاق برای زندگی پسر و عروس، در خانه پدری (تغییر خانواده ساده به خانواده گسترش پدری) استقرار زندگی در فضاهای نیمه باز توپوش ایوان و تلار از طریق پارچه یا حصیر برای جلوگیری از دید افاده غیری ترکیب فضاهای سکونتی و معیشتی در مسکن روستایی مشارکت مردم و دولت برای مقاومانزی مسکن روستایی (تبديل اسکلت چوبی به بتنه) با روشهای تشویقی دولتی همیاری عمومی بر پایه مشارکت اجتماعی در ساخت بنایهای مسکونی و غیر مسکونی ساخت و ارتقای فضاهای آموزشی (قرآن، عقیدتی، خیاطی، گلدوزی و ...) در هر محله	جمع منازل مسکونی هم طایفه در یک محل براساس حفظ و تقویت رابطه خویشاوندی عرضه مخصوصلات و تولیدات حاصل از خود اشتغالی ساکنان در تجارتی مرکز استقرار مردم در مسجد محله و یا در مکان تجمع افراد محله اهمیت و تأکید بر مکان تعاملات اجتماعی و فرهنگی روستایان در مرکز محله (قهقهه، نمازخانه و ...)	عريض بودن معابر در نتیجه نامحصور بودن قطعات تکمیلی مسکونی در مناطقی محدود یا انتقالی مسکن نسیبی معابر در مجاورت محله یا در مکان تجمع افراد محله اهمیت و تأکید بر مکان تعاملات اجتماعی و فرهنگی روستایان در مرکز محله (قهقهه، نمازخانه و ...) فعالیت مستمر مردم در مسجد محله برگزاری جلسات برای اداره و کنترل محله شکل‌گیری مراکز محله‌ای در کنار مراکز مذهبی تغییر بقاع متبرکه، امامزاده‌ها و مساجد	تعیین سیاست و قوانین کشوری در جهت حفظ یا تغییر کاربری‌های اراضی تکمیلی و تقسیم کاربری‌های زراعی و باغی به قطعات کوچکتر در پی انتقال به سیل جوانتر در نظام خویشاوندی اختصاص بخشی‌های عدمهای از اراضی روستا به کاربری‌های اقتصادی و معیشتی افزایش عرض معابر داخلی ساماندهی مکان تجمع، مراکز تعاملات فرهنگی و تبادلات اقتصادی روستایان (تجارتی های حاشیه معابر) شکل‌گیری مراکز محله‌ای در کنار مراکز مذهبی تغییر بقاع متبرکه، امامزاده‌ها و مساجد ساخت معابر منتهی به مرکز آموزشی با توجه به تردد داشن آموزان تعداد مراکز عادی و محل برگزاری مناسک مذهبی بر اساس قویت و خویشاوندی اخلاقی اراضی به کاربری‌های اقتصادی و معیشتی افزایش عرض معابر منتهی به مرکز آموزشی با توجه به تردد داشن آموزان سامانه‌ای عبار برای تسهیل تردد کودکان و سالمندان در حصول مختلف سال آموزشی (مدارس، نهضت سواد آموزی)	آنچه‌ای بود	آنچه‌ای نداشته باشد	۴	آنچه‌ای بود

ج.۳. عناصر اصلی اجتماعی اثرگذار بر کالبد روستاهای گیلان. مأخذ: نگارندگان.

نمونه موردي

با بررسی روستاهای محدوده شهرستان رودسر مشاهده می شود که خصوصیات اقلیمی به همراه ویژگی های اقتصادی در کنار خصایص اجتماع-فرهنگی، تمایز شمای کلی بافت کالبدی روستاهای گیلان را توجیه می نماید و بر کالبد روستاهای یعنی نظام کاربری اراضی، نظام شبکه بندی معابر، نظام محله بندی و نظام معماری بنها، مؤثر است(ت ۴).



ت ۴. بافت باز مسکونی روستا. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان. در روستاهای گیلان، فضاهای نگهداری محصول هماند کندوچ از اهمیت و امکان مراقبت برخوردار است. استقرار این فضاهای در ادغام با معابر روستا از خصایص کالبدی مجموعه زیستی است که هویت اجتماعی مردم را باز تعریف می نماید (ت ۵). عدم وجود حصارهای بصری و رفتاری در روستاهای گیلان تقریباً همیشگی است.



ت ۵. فضای اقتصادی و فضای مسکونی در داخل حریم معبر عمومی. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.

در نقاط مختلف کوهستان تا حاشیه دریا به تکرار، نشان از تداخل فضاهای نیمه عمومی روستا و فضاهای نیمه خصوصی خانه دارد. به بیانی دیگر واحد مسکونی با مرزی قطعی از معتبر روستا تفکیک نموده و فضاهای بینایین با عقب نشینی نامحسوس از معابر روستا به کنار کشیده می شوند. این خود گویای وفاق اجتماعی مردم روستا است که سکونت در آبادی را مکمل سکونت در خانه قرار داده و محوطه روستا تنها یک میدان برای عبور



ت ۶. فضاهای نیمه خصوصی پیش ورودی، با عقب نشینی ظرفی، جزئی از معتبر روستا. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان. نیست، بلکه فضایی است که مکمل خانه و مفهوم سکونت را سامان می دهد(ت ۶). آیین و رسوم در هر منطقه بیانگر نحوه تفکر مردم است و قطعاً جهان بینی بر شکل خانه مؤثر می باشد. نمادهای مربوط به کنش های اقتصادی زن در گیلان که در آیین های ^۵ مردم رودسر شناخته شده تر است(ت ۷)، در فضاهای عمومی روستا و حیاط خانه، برای شرکت همگانی مردم، بخشی از فعالیت های اجتماعی روستائیان در اوقات پس از برداشت محصول است که بر بافت کالبدی روستا تأثیرگذار می باشد. فعالیت هایی که در نقاط شهری و روستاهای نقاط مرکزی ایران در درون خانه صورت می پذیرد در جوار معابر روستاهای گیلان، فضاهای عمومی و به عبارتی

در کل محوطه روستا متدال است. شیوه‌های زندگی، ارزش‌های فرهنگی، آداب زیستی، روابط اجتماعی و مفاهیم قلمرو، حریم و محرومیت نه تنها اجازه تداخل فضاهای محوطه مسکونی و فضاهای عمومی روستا را ممکن می‌سازد، بلکه آنرا موجه و قانونی می‌نمایاند (ت.۸). رویت بخشی از فعالیت‌های خانواده در معابر روستا امری عادی است.



ت.۷ نمایش نمادین شیوه‌ها و کشندهای تولیدی زن در فعالیت تولید برنج که در آیینی کهن اجرا می‌گردد.
مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.



ت.۸ تظاهر رفتارهای سکونتی، عناصر اقتصادی و فضاهای نیمه‌عمومی خانه، ترکیب شده با معبر روستا.
مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.

نتیجه

در پاسخ به این پرسش که عوامل اجتماعی و فرهنگی چه تأثیری بر بافت کالبدی روستاهای گیلان می‌گذارد، با مرور کلی پیش‌نوشته‌ها، می‌توان اذعان داشت که رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی در طول تاریخ حیات روستاهای، برایندی از تعامل مردم با عوامل طبیعی و خصوصیات اقلیمی و جغرافیایی بوده که از طریق تعریف کار و فعالیت اقتصادی و معیشتی، زمینه همگونی هر یک از افراد با جامعه و هماهنگی کنش‌های اجتماعی را فراهم آورده و جامعه‌پذیری آنان را ممکن کرده است. انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی موجود بین ساکنان روستا،

دگرگونی‌های فرهنگی در برخی موارد باعث بروز تفاوت‌هایی در شکل‌گیری بافت کالبدی، عناصر و اجزای معماری بوده است. از این‌رو تحولات اجتماعی فرهنگی معمولاً موجب تحول در شمای کلی بافت، شیوه و الگوی ساختمانسازی می‌شود. به‌گونه‌ای که در روند تأثیرگذاری زندگی و فرهنگ سکونت شهری بر زیست روستائیان، در بسیاری موارد الگوهای معماری شهری و به‌ویژه الگوهای معماری حاشیه‌نشینی در شهرها که معمولاً فاقد ارزش‌ها و انتظام معماری‌اند، جای بناهای سنتی روستایی را (که ظاهراً عملکرد پیشین خود را از دست داده‌اند) می‌گیرد (حاقپور و شیخ‌مهدي، ۱۳۹۰: ۲۳۸). این در حالی است که جایگزینی الگوهای نامناسب مضلات فراوانی به‌دنبال دارد. بر این‌مبنای، هر تحول اجتماعی که موجب تغییرات اساسی در فرهنگ و شیوه سکونت می‌گردد، باید مورد مذاقه قرار گرفته تا تأثیر آن بر مجتمع زیستی به بهترین صورت ممکن گردد. بر این اساس تأثیر مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی بر خصوصیات بافت کالبدی و معماری را می‌توان در جدول شماره ۴ خلاصه نمود.

چهار حوزه نظام کاربری زمین، نظام شبکه بندی معابر، نظام محله بندی، و نظام معماری بنها) ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد (ج ۴) و بدینهی است که تغییر در هر یک از عناصر، موجب دگرگونی کالبد مجتمع زیستی می‌گردد.

هماهنگی کالبد مبتنی بر این گونه کنش‌ها را به دنبال دارد. میان عناصر اساسی جوامع انسانی (نظیر جمعیت، فرهنگ، فرآورده‌های مادی، ساختار اجتماعی، نهادهای اجتماعی) و ساختار کالبدی روستاهای گیلان (مشتمل بر

ج. ۴. تأثیر مهم‌ترین عوامل اجتماعی- فرهنگی بر مهم‌ترین مشخصه‌های بافت کالبد روزتا
(تأثیر مؤلفه‌های ستونی بر مؤلفه‌های سطحی) مأخذ: نگارندگان.

کسب هویت نیازمند درک زبان جامعه و فهم فرهنگ مردمی است. سکونت، مفهومی از استحصال هویت شخصی است که از طریق آگاهی بر مکان، زمان و وقوف بر محیط احراز می‌شود و کالبد سکونتی روستایی، ترکیبی بهره‌مند از امکانات اقلیمی-جغرافیایی به همراه پاسخ‌گویی به خواستهای اجتماعی -فرهنگی است.

هویت، وابسته به رفتارهای درون اجتماع بوده و مقید به زمان و مکان است. بخشی از هویت از طریق تعاملات و شیوه‌های زندگی و با سکونت احراز می‌شود و به شکل مادی مکان بستگی دارد. از آنجا که هویت پاسخ‌گوی کیستی و چیستی انسان است، این نمود از فرهنگ، با تمامی وجوده زندگی، انسان عجین شده است.

رفتارهای اجتماعی از نوع کنش‌های معنادار (و نه کنش‌های زیستی) و پدیده‌های فرهنگی است که خود مستقیماً بر معماری تأثیرگذار است. انسجام کالبدی سکونت‌گاه‌های انسانی و به خصوص روستاها به تبع انتظام اجتماعی شکل می‌گیرد و در آن ساختار محله، جزء محله و واحد مسکونی از ویژگی‌های ساختاری جامعه تبعیت می‌کنند. همان‌گونه که مطرح شد، وضعیت اجتماعی‌فرهنگی ساکنان روستا به عنوان عاملی اثرگذار بر بافت کالبدی روستا مطرح بوده و خود از چند عامل گوناگون تأثیر پذیرفته است. برخی از مهم‌ترین این عوامل اجتماعی‌فرهنگی، عبارتند از فناوری و کنش‌های معیشتی مبتنی بر آن، شیوه‌های زندگی، آداب و رسوم و آیین، روابط اجتماعی، قدرت و اقتدار، حریم و قلمرو و همچنین جهان‌بینی. خلق معماری به منزله هنری کاربردی، در کنار عوامل جغرافیایی و اقلیمی، بی‌واسطه تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و هنرمند معمار روستایی که بر پایه عملکرد (فونکسیون) دست به خلق اثر می‌زند، از میان راه حل‌های مختلف، گزینشی انجام می‌دهد که این انتخاب صرفاً نتیجه مصالح و شرایط موجود نیست بلکه از فرهنگ و اوضاع اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد و منجر به پدیداری معماری روستایی می‌شود. از آنجا که فرهنگ بر الگوی سکونت، سلسله مراتب دسترسی و همچنین بر ظاهر و شکل بافت کالبدی و معماری تأثیر می‌گذارد، هر تغییر یا تحول فرهنگی، نه تنها موجب تغییر در ویژگی‌های کلی بافت کالبدی می‌شود، بلکه خصوصیات فیزیکی مسکن را نیز دگرگون می‌سازد. بنابراین کالبد زیستی، محل تجلی حیات مدنی و نیازمند تداوم این حیات است. لذا برای تحقق این تداوم، به نظر می‌رسد که هرگونه برنامه‌ریزی و طرح کالبدی برای مناطق روستایی، نیازمند شناخت مناسب از خصوصیات

پی‌نوشت

۱. برای اطلاع از ارتباط بین محیط زیست و انسان ر.ک: لنسکی، ۱۳۷۴: ۱۶.
۲. Amos Rapoport: آموس راپاپورت (۱۹۲۹)، معمار و انسان شناس لهستانی، که با رویکرد فرهنگی اجتماعی به محیط می‌نگرد. وی مطالعات خود را بر اهمیت زمینه فرهنگی در شکل شهر متمرکز ساخته است.
۳. Paul Oliver: پل اولیور (۱۹۲۷)، تاریخ‌نگار معماری و نویسنده انگلیسی.
۴. Thomas Gordon Cullen: توماس گوردن کالن (۱۹۱۴-۱۹۹۴)، معمار و طراح شهر انگلیسی و از تأثیرگذارترین چهره‌ها در منظر شهری است.
۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کالن، ۱۳۸۲: ۷.
۶. Edmund Norwood Bacon: ادموند نوروود بیکن (۱۹۱۰-۲۰۰۵)، معمار، طراح شهر، و نویسنده آمریکایی که به دلیل خدمات زیادی که برای شهر فیلادلفیا (زادگاهش) ارائه داد به «پدر فیلادلفیای مدرن» مشهور شد.
۷. برای مطالعه بیشتر ر.ک: Bacon, 1974: 32-47.
۸. Camilloositte: کامیلو سیتته (۱۸۴۳-۱۹۰۳)، معمار اتریشی که مهم‌ترین اثر وی کتاب «هنر ساختن شهرها» در سال ۱۸۸۹ می‌باشد. بیشتر نظریات او در باب مرمت شهری است.
۹. Kevin Lynch: کوین لینچ (۱۹۱۸-۱۹۸۴)، شهرساز آمریکایی که سهم مهمی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم داشت.
۱۰. برای مطالعه بیشتر ر.ک: لینچ، ۱۳۸۵: ۹۰.
۱۱. Michael Trieb: مایکل ترب (۱۹۳۶)، معمار آلمانی.
۱۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: آقایاری هیر، محسن، ۱۳۸۷: ۴۶.
۱۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: Rapoport, 1969: 15.
۱۴. برای مطالعه بیشتر درباره «نظام محلات و مراکز محلات» که به عنوان یکی از «مصادیق فضای جمعی در روستا» در نظر گرفته شده است، ر.ک: علی‌الحسابی، مهران و نفیسه نگارش، ۱۳۸۹: ۳۰.

فهرست منابع

۲۵. آینهای برداشت اولین محصول، رقص قاسم آبادی، رقص چراغ و دیگر کنش‌های فرهنگی که برای بیان نمادین اهمیت حضور زن و فعالیت‌های او در روستا انجام می‌پذیرد.
- آقایاری هیر، محسن. (۱۳۸۷)، تبیین رویکردهای طرح‌ریزی کالبدی روستاهای آبادی، شماره ۵۹، صص ۴۷-۴۲.
- احمدیان، رضا؛ محمدی ماکرانی، حمید؛ موسوی، سیروس. (۱۳۸۷)، ویژگی‌های شکلی بافت‌های روستایی ایران، آبادی، شماره ۵۹، صص ۲۳-۱۶.
- استروی، جان. (۱۳۸۵)، مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، حسین پاینده، انتشارات آگاه، چاپ اول، ایران: تهران.
- بردلی، هریت. (۱۳۸۶)، دیگرگونی ساختارهای اجتماعی: طبقه و جنسیت، ترجمه محمود متهد، نشر آگه، چاپ اول، ایران: تهران.
- برمیرژه، کریستان. (۱۳۷۰)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشکر، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ایران: تهران.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۹)، نظریه کنش دلایل عملی و عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، انتشارات نقش و نگار، چاپ سوم، ایران: تهران.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۸)، مقدمه کتاب الگوهای استاندارد در معماری، نشر مهرآزان، چاپ اول، ایران: تهران.
- خاکپور، مژگان. (۱۳۸۶)، معماری خانه‌های گیلان، دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان، نشر فرهنگ ایلیا، چاپ اول، ایران: رشت.
- خاکپور، مژگان. (۱۳۹۱)، تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مسکن بومی روستایی در گیلان، رساله دکتری به راهنمایی مجتبی انصاری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- خاکپور، مژگان؛ شیخ مهدی، علی. (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، مدیریت شهری، شماره ۲۷، صص ۲۴۵-۲۲۹.
- دیبا، کامران؛ یقینی، شهریار. (۱۳۷۲)، تطبیق منظر با اقلیم، معماری و شهرسازی، شماره ۲۴، صص ۶-۱۶.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۶۶)، منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول، ایران: تهران.
۱۵. برای اطلاع از حوزه‌های فرهنگی بیهی پیش و بیهی پس در گیلان که توسط سفیدرود مجزا شده‌اند، در کتب مختلف مطالب مبسوط وجود دارد که یکی از سودمندترین آن‌ها به واسطه دیدگاه جامعه‌شناسخی بربره دست می‌دهد. ر.ک: بربره، ۱۳۷۲.
۱۶. بیشتر اندیشمندان مسلمان بر زندگی اجتماعی انسان تأکید کرده و آنرا از نیازهای آدمی برای تأمین زندگی بهتر و رسیدن به کمالات انسانی در برآوردن حوایج مادی زندگی با تأکید بر تقسیم کار در جوامع مدنی می‌دانند. البته متفکرانی به نام اخوان‌الصفا بر روح تعاون و همکاری به عنوان نیاز فرامادی نگریسته و وحدت را مایه سعادت و نجات می‌دانستند. برای اطلاع از اندیشه متفکران مسلمان ر.ک: محمدی عراقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۸۱-۲۷۷.
۱۷. متفکر بزرگ اسلامی قرن هشتم هجری (۷۳۲-۸۰۶ ه.ق) که برخی او را پدر جامعه‌شناسی نام نهاده‌اند.
۱۸. خلاصه تفکرات ابن خلدون ر.ک: صدیق سروستانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹۸.
۱۹. Ralph Linton: ماقس ویر (۱۸۹۳-۱۹۶۰)، مردم‌شناس امریکایی.
۲۰. Max Weber: ماقس ویر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) جامعه‌شناس آلمانی، و محقق در زمینه علوم اقتصاد سیاسی که بسیار بر نظریه جامعه و مطالعات بین رشته‌ای جامعه‌شناسی تأثیر گذار بود.
۲۱. برای اطلاع از تلمبار و کندوج و دیگر عناصر محوطه مسکونی، ر.ک: خاکپور، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۸.
۲۲. نویسنده‌گان مقاله، گیلان را به لحاظ رطوبت زیاد و گرمای هوا در تابستان دارای شرایط اقلیمی ویژه‌ای می‌دانند که به زعم آنان مشابه آن تنها در مناطقی از آمریکای مرکزی، بنگلادش، مالزی و یا اندونزی یافت می‌شود.
۲۳. در اینجا منظور نویسنده‌گان از منحصر به فرد بودن را نه از منظر بزرگنمایی در بیان خصوصیات ظاهری، بلکه می‌توان به دلیل غیر قابل مقایسه بودن آن با سایر نقاط استنباط نمود. آنچنان‌که غالب معماری‌های بومی دارای این خصوصیت بوده و هر معماری بومی دارای خصایصی منحصر به‌فرد است.
۲۴. این خصایص بر مبنای مشاهدات میدانی، به صورت ضوابط نانوشه بر بافت کالبد روستاهای گیلان حاکم است.

- Mtwangi Limbumba, Tatu (2010), Exploring social-cultural explanations for residential location choices, Doctoral Thesis in Built Environment Analysis, Stockholm, Sweden, the Royal Institute of Technology Press.
- Linton, Ralph. (1945), The Cultural Background of Personality, New York and London: D. Appleton-Century Co.
- Lynch, Kenny (2005), Rural-Urban Interaction in the Developing World, London, Routledge; 1 edition.
- Rapaport, Amos (1969), House Form and Culture, London, Prentice-Hall, Inc.
- Rapaport, Amos. (۱۳۸۴)، معنی محیط ساخته شده (رویکردی در ارتباط غیر کلامی)، ترجمه فرح حبیب، انتشارات شرکت پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول، ایران: تهران.
- Rapaport, Amos. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند، چاپ اول، ایران: تهران.
- سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی معماری روستایی (به سوی سکونتگاه مطلوب)، انتشارات شهیدی؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، ایران: تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و دیگران. (۱۳۸۵)، درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی تاریخچه جامعه‌شناسی، انتشارت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ دوم، ایران: تهران.
- علی‌الحسابی، مهران؛ نگارش، نفیسه. (۱۳۸۹)، تجلی فضای جمعی در سکونتگاه‌های روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۲، صص ۳۸-۲۹.
- کالن، گوردن. (۱۳۸۲)، گریده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ایران: تهران.
- گولد، جولیوس؛ کولب، ویلیام. ل. (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، نشر مازیار، چاپ دوم، ایران: تهران.
- گیدنز، آتونی؛ بردسال، کارن. (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاووشیان، نشر نی، چاپ اول، ایران: تهران.
- لنگی، گرهارد، لنگکی، جین. (۱۳۷۴)، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موافقیان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ایران: تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۵)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ایران: تهران.
- محمدی عراقی، محمود و دیگران. (۱۳۸۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی مبانی جامعه‌شناسی، انتشارت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ سوم، ایران: تهران.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴)، سیری در مبانی نظری معماری، انتشارات سروش دانش، چاپ اول، ایران: تهران.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۵)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صادقی، نشر مرکز، چاپ اول، ایران: تهران.
- Bacon, Edmond. (1974), Design of cities, New York, Viking Press.